

غرّة الألفاظ و نزهة الألفاظ

(رسالة پارسى كهن در فن ترسل)

تأليف

محمد بن على بن محمد كاتب سمرقندى

(از دانشوران سده ۵-۶ هـ.ق.)

مقدمه و اهتمام

دکتر يوسف بيگ با اهور

انتشارات منشور سمير

با همكارى انجمن تاريخ پژوهان مراغه

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه: ظهیری سمرقندی، محمد بن علی، قرن ۶ ق.
عنوان و نام پدیدآور: غرة الاقفاظ و نزهة الالفاظ: (رساله پارسی کهن در فن ترسل) / تألیف
محمد بن علی بن محمد کاتب سمرقندی؛ با مقدمه و اهتمام یوسف بیگ باباپور.
مشخصات نشر: تهران: منشور سمیر: انجمن تاریخ پژوهان مراغه، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۶۰ص: نمونه.

فروست: احیای میراث مخطوط؛ ۸.

شابک: ۷-۰۶-۰۹-۷۵۰۹-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: ادبیات فارسی - قرن ۶ ق.

ناشر: انتشارات منشور سمیر، یوسف بیگ باباپور، ۱۳۵۷، گردآورنده

ناشر: منشور سمیر، یوسف بیگ باباپور، ۱۳۵۷، گردآورنده

ردیف: ۲۸۸۶ ۴۱۳۹۳

رده‌بندی: بی. ۸۰۰

نمارة کتابشناسی ملی: ۳۵۰۹



انجمن تاریخ پژوهان مراغه

انتشارات منشور سمیر

غرة الاقفاظ و نزهة الالفاظ (رساله پارسی کهن در فن ترسل)

تألیف: محمد بن علی بن محمد کاتب سمرقندی

با مقدمه و اهتمام: دکتر یوسف بیگ باباپور

از مجموعه: احیای میراث مخطوط / ۸

دبیر مجموعه: دکتر یوسف بیگ باباپور

نوبت چاپ: اول

طراح و صفحه آرا: محمدمهدی شعبانی

شمارگان: ۲۰۰

شماره نشر: ۱۷- ۱

بها: ۶۰۰۰۰ ریال

© حق چاپ: ۱۳۹۳، انتشارات منشور سمیر با همکاری انجمن تاریخ پژوهان مراغه

شابک: ۷-۰۶-۰۹-۷۵۰۹-۶۰۰-۹۷۸

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

مقدمه

در کتابخانه چستربیتی در ایرلند مجموعه‌ای که به شماره ۳۷۸۵ موجود است که شامل دو رساله است: اولی رساله فی البیان، اثر مؤلف ناشناخته است؛ و رساله دوم آن با عنوان غرّة الألفاظ و نزّهة الألفاظ، تالیف محمد بن علی بن محمد کاتب سمرقندی، از دانشوران سده پنجم یا ششم هجری است. این نسخه اول بار در فهرست آربری (۱۱/۴؛ نک: ترجمه فهرست آربری، در مجموعه شاکر سعید ۱/۴۶۵) معرفی شده است. خوشبختانه اخیراً نسخه عکسی آن در ایران در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (۱۲۹/۴-۱۳۲) نیز معرفی شد.

این رساله مختصر و در عین حال مهم، در آداب نامه نگاری و فن ترسل است. نویسنده در مقدمه ضمن تصریح به نام خویش، بیان داشته که آن را برای

مطالعة ملک الکتاب عمر بن محمد بن ابی نصر نگاشته است. وی به احتمال زیاد همان عمر بن محمد بن علی بن ابی نصر شیرازی سرخسی شافعی (۴۴۹-۵۲۹ق) است که صاحب معجم المؤلفین (۳۱۵/۷) از او یاد کرده است. ذهبی در تاریخ الاسلام (۱۱۷/۴۶) از شخصی نام می برد که در سال ۶۲۷ق. در بغداد زیارت یافته و نام وی عمر بن محمد بن عمر بن محمد بن ابی نصر است که حتی زده و لب و کنیه علامه و ابو حفص داشته و اصلاً اهل فرغانه بوده، بعید نیست که راجع به او بوده باشد!

به هر حال شریف ابن رساله از دانشوران و کاتبان اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم هجری است. فهرست کتابخانه آستان قدس (۱۱۴/۲۵) ضمن معرفی نسخه دیگری از این رساله به شماره ۲۵۵۷۲ مؤلف آن را از دانشوران سده یازدهم تخمین زده که البته نام درست است.

مؤلف در مواردی از اشعار عنصری بدلی (۴۳۱ یا ۴۴۱)، ملک الشعرای دربار محمود غزنوی، شاهد می آورد. علاوه بر آن نسخه از لحاظ نگارش و کتابت خود گویای قدمت خویش است. سواى خط نسخ هیچ مجموعه، نحوه نگارش الفاظ از آن جمله کتابت «که» به صورت کهن آن «کی»؛ «و در وجه صورت «بود»؛ «پ» به صورت «ب» در کلماتی همچون: بیراست، بیرایه و... و نظایر آن از وجوه امتیاز آن است.

بهتر است جهت آشنایی با شیوه نگارش رساله، مقدمه مؤلف آن را ذیلاً

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ حمد و ستایش ایزد را جلّ جلاله - کی مناکب گردون را به حلیه کواکب بیاراست و سرو قامت آدمی را در باغ وجود که مثمرتر درختی است، به دست قدرت بیاراست و پیرایه دانش برپست و تاج عقل بر سر نهاد و تشرف علم قلم تحضّض و تنصّص کرد و فرمود جلّ و عزّ الذی یلمّ یلمّ علّم الانسان ما لم یعلم.

و صریح و تحقّیق کی نسیم آن بر ربی و خزّامی و عرّاد و عقّار^۱ گذشته باشند؛ پس را و انبیا و اتقیا و اصفیای او باذ؛ خصوصاً بر زیاده موجودات و فهارس مخلوقات محمد عبدالله بن عبدالمطالب صلی الله علیه و آله اجمعین.

چنین می گوید محمد بن علی بن محمد کاتب السمرقندی - احسن الله توفیقه و جعل التسدید رفیقه کی صنعت کتابت رکنی وثیق است از ارکان دولت و حلیه ای نفیس است از گن عروس مملکت؛ چنان که شمشیر ضابط سلطنت شاهی است، و به حافظ مملکت و پادشاهی است؛ و به حقیقت دبیر بر مثال صاحب جیشی است کی لشکر او از نتایج عقل و خاطر و ضمیر فکرت است و سرمایه آن عمل زیادت از آن است کی در مجلدات جمع توان کرد؛ چه، مرتبت و پایه اول خط نیکو و ادب تمام و شناختن

لغات متفاوت و الفاظ متقارب است و بعد از آن وقوف بر هر علمی و نصیب از هر فنی؛ چه، تأثیر سخن در مدح و ذم و شکر و شکایت و ترغیب و ترهیب بیشتر از تأثیر زهر و تریاق است؛ و لقد صدق من قال:

جراحات السنان لها إلتيام ولا يلتام ما جرح اللسان

و خواجه محمد عبده کی استاد این صنعت است، می گوید در

به یک بدستی کلک آن کنم، کجا نکند هزار تیغ

بمانی و رمح هرده گزی

و چون اساس این علم در نظم سخن و ترکیب الفاظ و شناختن فنون صنعت و معانی است و از متقدمان این شغل هیچ کس جمع نکرده بود، بر خیر اندیش کی اگر بدین نسق جمعی باشد، پسندیده افتد. پس خوض کرده و در هر بی کرانه این علم و این گوهر شیجراغ که مونس منتهی و هلال مبتدای این باب بود، بر ساحل ظهور آوردم و در وی تعبیه کردم و آنچه هست داد و روی نمود از عرایس الفاظ و نقایس اوصاف و دستورات و نمودارات این علم از جهت مطالعت مخدوم زاده خویش، امیر اجل اکرم افضل شرف الدین جمال الاسلام و المسلمین ظهیر الملوک و السلاطین اختیارالدوله، افتخارالمله، مشیرالملک،

عمید الممالک، ملک الکتاب عمر بن محمد بن ابی نصر سمد
الله عمره فی دوله عالیة الشأن سامیه الأركان- نبشتم و پیش
خدمت آوردم. اگرچه ذات کریم او به ذهن و قّاد و عقل نقّاد و
خاطر وافی و فکرت صافی و فضل وافر مستجمع است، لکن
باید قطره قطره در دریا اگر متفعت ندارد، نکو آید و در این
مجمع الفاظ عذب و مستعملات کتب فارس آوردم و از غریب
و حسن استخراج کردم.

اول بیان لغت را این علم کرده اند، آورده‌ام؛ باز در الفاظ
شروع کردم، نخست در حرفی متصل که معنا یکی بود یا نزدیک
به معنا چون مواعظ و نصایح موانع و زواجر؛ باز دو حرفی متصل
چون فضای واسع و صحرای بیع و اسب مال معانی و اصطلاح
مبانی؛ باز دو حرفی متضاد و منفصل چون علیا و کثیر و خیر و
شر؛ باز سه حرفی مرکب چون وسایل عالم و سبب و سبایط عالم
ارواح و موالید عالم سفلی و نتایج اسطقسات اربعه؛ باز چهار
حرفی و پنج حرفی چون منبع افاضت اجرام آسمان و مجمع
افادت تأثیر اختران، ثمره شجره بستان صنع الهی و معنی خط افتر
ملکوت پادشاهی، و جمله این الفاظ جفت جفت نگاه داشتم تا
شره مبتدی زیادت گردد. بعد از آن نموداری چند از وصف و
تشبیه و مدح و ذم بر طریق ایجاز وصف کردم. توقع از سجعیت

کرم و لطف شیم آن است که این جمع را بعد از تأملی تمام و تفهّمی بر کمال محروم نگرداند؛ والله ولی التوفیق و التّسدید أنّه الموفق و المسدد و المعین.

اکنون باز آمدم به مقصود، چون علم کتابت نزدیک است به علم شعر، دبیر را حاجت آید به دانستن چند چیز کی در کتابت استعمال کرده‌اند: اوّل معنی سجع کی از بانگ قمری گرفته‌اند و گونه است: یکی متوازی و متساوی و دوم متوازن و متقابل؛ متوازی کی متساوی است، چون اعمال و اشغال؛ و متوازن متقابل چون اقبل و عواقب و اواخر؛ و متشابه است چون عقیاب و عقیاب و إعلاب و عیاب کی به حرف و لفظ موافق بود و به معنی مخالف؛ مضارع است چون خنجر و خنجر و نیل و نیل به صورت یکی و اعراب متفاوت؛ و بعضی است چون قلم و اقلام و کف و کفایت و کافی و کفیل؛ و بعضی این صفت را اشتقاق اللفظ من اللفظ گویند.

دیگر دانستن مجاز و استعارت، و مجاز چیزی بذات چیزی نهادن بود به جای او و استعارت عاریت خواستن بود و این هر دو به یکدیگر نزدیک‌اند و فرق است میان ایشان. اما مجاز چنان بود کی خزینه را امّ الاموال گویند، یا زمین را امّ البشر، یا کواکب سیاره را ابوالبشر...؛ دیگر تشبیه است... دیگر ترصیع است... دیگر مراعات

النظير است... دیگر استعمال آیات و اخبار است... و این
مجموعه را غرّة الألفاظ و نزّهة الألفاظ نام نهاده شد؛ و بالله
التوفیق».

این نسخه نوشته نماند که چند برگ از نسخه در اواسط از لبه فوقانی آسیب دیده
و الفاظ اندکی از آن قایل قرائت نیست. با وجود کوشش بسیار از مؤلف آن نیز
اطلاعی به دست نماند. در آغاز نسخه یادداشت پشت نسخه‌ای فوایدی به نقل از
رسایل اخوان الصفاء آمده است و این که نام رساله در صفحه عنوان نوشته
شده است.